

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

**به پیشگاه دو تکیه گاه همیشگی زندگی زندگیم،  
پدر و مادرم...**

پیمودن مسیر دشوار تحقیق و پژوهش برای دانش اندوز کم توانی چون من ، بدون راهنمایی بی دریغ و دلسوزانه ی استاد گرانقدر، سرکار خانم دکتر پارسا پور و همچنین مساعدت های صبورانه سرکار خانم دکتر عاملی، دشوار می نمود.

ضمن تشکر از زحمات استادان بزرگوار، از خداوند منان، برای ایشان آرزوی سلامتی و بهروزی دارم.

## چکیده

نظامی، به عنوان نخستین داستان پرداز منظوم موفق در ادبیات کلاسیک فارسی، به خلق آثار بی بدیلی در حوزه ادبیات غنایی و حماسی، دست یافته و بیش از هر چیز در به نظم کشیدن داستان های غنایی، بسیار موفق بوده است؛ از آن جمله خسرو و شیرین، مشهورترین اثر غنایی او که در این پژوهش به بررسی شخصیت های آن و نحوه شخصیت پردازی شاعر در آن پرداخته شده است.

در کنار بررسی این منظومه، شخصیت پردازی نظامی در تنها اثر حماسی وی، اسکندرنامه نیز مورد توجه قرار گرفته است، و در نهایت مقایسه ای جامع پیرامون شخصیت پردازی در دو اثر نامبرده صورت گرفته است؛ ضمن ارزیابی نقاط اشتراک و افتراق آنها، مقایسه ای میان بعد حقیقی شخصیت ها در تاریخ و آنچه نظامی به عنوان داستان پرداز خلق کرده، انجام شده است. پژوهش پیش رو سعی دارد در کنار بررسی و تحلیل شخصیت های دو داستان به شیوه های شخصیت پردازی نظامی از جمله، توصیف مستقیم و غیر مستقیم و توصیف ظاهری و درونی آنها بپردازد.

کلید واژه: شخصیت پردازی، نظامی، خسرو و شیرین، اسکندرنامه

## پیشگفتار

توجه به شخصیت در داستان، نمایش و قصه به عنوان عنصری داستانی، از دیر باز مورد توجه خالقان آثار هنری و مخاطبان آنها بوده است، و صاحب‌نظرانی چون ارسطو را بر آن داشته تا در زمینه‌ی شناخت شخصیت‌ها در داستان گام بردارند. این امر، به خصوص در آثار داستانی منثور، نمود بارزتری یافته و به میزان کمتری، آثار منظوم را در بر گرفته است. به ویژه در میان داستان‌های کلاسیک فارسی، به نوعی تشابه در کاربرد شخصیت‌های داستانی برخورد می‌کنیم، که اغلب خلق شخصیت‌های کلیشه‌ای را به دنبال دارند.

نظامی گنجوی نیز از این امر مستثنی نبوده و با خلق پنج گنج خود، به باز آفرینی شخصیت‌های تاریخی و همچنین خلق شخصیت‌های متفاوت و نو پرداخته است. در این میان، توانایی او در داستان‌پردازی و به کارگیری صور خیال و آفرینش تصاویری گویا و زنده از روابط انسانی و تعالیم اخلاقی، غیر قابل انکار است. نظامی، در حقیقت با خلق شخصیت‌های ماندگار، در حوزه غنایی، حماسی و تعلیمی، عنوان زبردست‌ترین خالق منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی را از آن خود ساخته است. در این پژوهش، سعی بر آن بوده، تا نوع شخصیت‌پردازی و توصیفات شخصیت‌ها، توسط نظامی، شاعر قرن ششم هجری، در دو حوزه غنایی و حماسی و در قالب دو منظومه مورد بحث (خسرو و شیرین و اسکندرنامه)، بررسی گردد.

## مسأله‌ی پژوهش

شخصیت‌پردازی، معمولاً در داستان‌های منثور در ادب فارسی، و اغلب در حیطه نثر معاصر مطرح و پرداخته شده است. و با توجه به منابع عمده‌ای که در زمینه عناصر داستان و به خصوص شخصیت‌پردازی موجود است، به نظر می‌رسد که این منابع حول محور داستان‌های منثور می‌گردد. به همین منظور در این تحقیق، سعی در شناخت بیشتر و تحلیل شخصیت‌ها در داستان‌های منظوم داشتیم. از میان داستان‌های منظوم ادب کلاسیک فارسی، آثار غنایی و حماسی نظامی گنجوی را که با توجه به غنای آن و تبحری که نظامی در توصیف شخصیت‌ها و فضا‌سازی در داستان‌های خود دارد، برگزیدیم تا بررسی دقیقی بر جنبه‌های مختلف شخصیت‌های داستان خسرو و شیرین و اسکندرنامه انجام شود.

## سوال‌های پژوهش

۱. شخصیت‌پردازی در داستان‌های منظوم، به چه روش‌هایی صورت می‌گیرد؟

۲. چه تفاوت‌هایی میان شخصیت‌پردازی در داستان‌های غنایی (خسرو و شیرین) و داستان حماسی (اسکندرنامه)، وجود دارد؟

۳. وجوه اشتراک و افتراق شخصیت‌پردازی نظامی و سیمای شخصیت‌ها در تاریخ چیست؟

### فرضیه‌ی پژوهش

۱. شخصیت‌پردازی در داستان‌های منظوم همچون داستان‌های مثنوی، در ارتباط با سایر شخصیت‌ها و با توجه به اتفاقاتی

که در داستان رخ می‌دهد، بررسی می‌گردد و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری شخصیت‌های داستان نقش ایفا می‌کنند

۲. بررسی شخصیت‌ها در آثار غنایی عمدتاً بر اساس نوع حضور شخصیت‌ها در داستان و ارتباط شخصیت‌ها با یکدیگر

صورت می‌گیرد و در آثار حماسی عوامل محیطی و پیشینه‌ی تاریخی و ملی هر سرزمین در پرداخت شخصیت‌های حماسی

موثر است.

۳. برخی شخصیت‌ها همان‌گونه که در تاریخ از آنها یاد شده در روایت نظامی نیز تکرار شده‌اند و برخی دیگر به قلم شاعر

تغییر یافته و تعدادی دیگر ساخته و پرداخته ذهن نظامی هستند و در تاریخ اثری از آنها نیست.

### پیشینه‌ی پژوهش

آنچه تا کنون در حیطه‌ی شخصیت‌پردازی در داستان‌های منظوم کلاسیک همچون دو اثر مورد نظر در این تحقیق صورت

گرفته، دقیق و همه‌جانبه نیست. و مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در این زمینه، بیش از آنکه به شخصیت‌پردازی علمی و

دقیق در این آثار بپردازند، به تعریف داستان و سیر طبیعی طی شده در آن، بدون توجه به عوامل تاثیرگذار در حیطه داستان

پردازی، به خصوص پرداخت شخصیت‌ها، توجه نشان داده‌اند، برای مثال لیلی رباحی در *قهرمانان خسرو و شیرین* و زهرا

زنگنه در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی عناصر داستان در خسرو و شیرین» به ارائه خلاصه‌ای از داستان و بررسی مجمل

شخصیت‌ها بسنده کرده‌اند.

به همین دلیل، این امر، مرا بر آن داشت تا با ارائه تصویری از شخصیت‌پردازی دقیق در دو اثر متفاوت از یک شاعر فارسی

زبان بپردازم.

## روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، بر مبنای منابع کتابخانه‌ای صورت می‌گیرد، به این ترتیب، ابتدا فهرستی از منابع دسته اول و مهم، پیرامون شخصیت پردازی تهیه نمودم، سپس با مطالعه دقیق و یادداشت برداری مدون، شناختی نسبی درباره شخصیت پردازی به دست آوردم. همزمان با فیش برداری، مطالعه مداوم منظومه‌های نظامی را مطمح نظر قرار دادم. و در اثنای مطالعه و فیش برداری، به تعمق در شناخت شخصیت‌های دو منظومه پیش رو (خسرو و شیرین و اسکندر نامه) پرداختم، و به فیش برداری در زمینه شخصیت پردازی نظامی در دو اثر مذکور پرداختم.

پس از اتمام مطالعه و فیش برداری و اشراف بر موضوع تحقیق، به تطبیق شخصیت پردازی نظامی در آثار غنایی و حماسی خود با معیارهای معمول در شناخت شخصیت‌ها پرداخته و به واکاوی آن‌ها توجه نمودم. تحقیق حاضر، در چهار فصل کلی و در نهایت، معرفی منابع و مآخذ و نمودار، تدوین شده است.

فصل اول - شامل تعاریف مرتبط با شخصیت پردازی و شناخت انواع شخصیت‌ها در داستان، بررسی روش‌های شخصیت پردازی در داستان و همچنین شامل آرایه‌ی تعاریفی در باره‌ی ادبیات غنایی و حماسی و شناخت ویژگی‌های شخصیت‌ها و توصیف آنها در این دو نوع ادبی است.

فصل دوم - شامل شخصیت پردازی در منظومه‌ی غنایی خسرو و شیرین و ذکر توصیفات شخصیت‌های اصلی و فرعی در این داستان و نوع شخصیت پردازی نظامی در این اثر غنایی است و در ادامه به شخصیت پردازی نظامی در داستان خسرو و شیرین پرداخته شده است، و قهرمان داستان، شخصیت‌های واسطه و رقیبان در داستان مشخص شده‌اند.

فصل سوم - شخصیت پردازی در اسکندر نامه‌ی نظامی را در بر می‌گیرد که شامل دو بخش شرف نامه و اقبال نامه است و توصیفات شخصیت اصلی، ضد قهرمانان، زنان، وزیران و منجمان و سایر شخصیت‌های حاضر در داستان را شامل می‌شود و در ادامه، شخصیت پردازی نظامی در اسکندر نامه مورد توجه قرار گرفته و ضمن ارائه نمودارهایی از توصیف شخصیت‌ها در هر دو منظومه، به مقایسه‌ی اجمالی میان شخصیت پردازی نظامی در دو داستان، پرداخته شده است.

به رغم تلاش اینجانب در جهت ارائه تحقیقی دقیق و کارآمد، پژوهش پیش رو، عاری از عیب و نقص نبوده و چه بسا راه‌های روشن‌تری برای تفحص در این حیطه پیش رو باشد. امید است که اساتید بزرگوار، با چشم پوشی از معایب و نواقص موجود در تحقیق، نتیجه‌ی تلاش یک ساله‌ی این پژوهشگر خام دست را بپذیرند.

## فهرست مطالب

فصل اول : کلیات .....	۱
۱. شخصیت و شخصیت پردازی : .....	۱
۱-۲. پیشینه شخصیت و شخصیت پردازی در غرب : .....	۲
۱-۳. پیشینه شخصیت پردازی در داستان های ایرانی : .....	۵
۱-۴. انواع شخصیت : .....	۹
۱-۴-۱. شخصیت ایستا : .....	۱۰
۱-۴-۲. شخصیت پویا : .....	۱۰
۱-۵. شخصیت اصلی و شخصیت فرعی .....	۱۵
۱-۶. قهرمان و ضدقهرمان : .....	۱۶
۱-۷. تضاد شخصیت ها : .....	۱۷
۱-۸. شیوه های شخصیت پردازی : .....	۱۷
۱-۸-۱. شخصیت پردازی مستقیم : .....	۱۸
۱-۸-۲. شخصیت پردازی غیرمستقیم : .....	۱۸
۲. تعریف داستان : .....	۲۴
۲-۱. تعریف ادبیات غنایی : .....	۲۷
۲-۱-۱. انواع شعر غنایی : .....	۲۸
۲-۱-۲. شخصیت ها در داستان های عاشقانه فارسی : .....	۲۸
۲-۲. شیوه های شخصیت پردازی در منظومه های غنایی فارسی : .....	۲۹
۲-۲. تعریف ادبیات حماسی : .....	۳۲
۲-۳-۱. ویژگی داستان های حماسی : .....	۳۳
۲-۳-۲. شخصیت ها در آثار حماسی (قهرمان و ضد قهرمان ) .....	۳۴
۲-۳-۳. شخصیت پردازی در آثار حماسی : .....	۳۵
فصل دوم : منظومه خسرو و شیرین و شخصیت پردازی نظامی در آن .....	۳۸
زندگی و آثار نظامی .....	۳۸
نظامی و سبک شعری او .....	۴۰



2. منظومه خسرو و شیرین ..... ۴۲
- ۱-۲. شخصیت های اصلی ..... ۴۲
- ۱-۲-۱. شیرین ..... ۴۲
- توصیف ظاهری شیرین به طریق مستقیم : ..... ۴۹
- توصیف ظاهری شیرین به طریق غیرمستقیم ..... ۵۴
- توصیفات درونی شیرین به طریق مستقیم ..... ۵۹
- توصیفات درونی شیرین به طریق غیرمستقیم ..... ۶۰
- ۲-۱-۲. خسرو ..... ۶۹
- توصیف ظاهری خسرو به طریق مستقیم ..... ۷۶
- توصیف ظاهری خسرو به طریق غیرمستقیم ..... ۷۹
- توصیفات درونی خسرو به طریق مستقیم ..... ۸۱
- توصیفات درونی خسرو به طریق غیر مستقیم : ..... ۸۶
- ۲-۲. شخصیت های فرعی در خسرو و شیرین ..... ۹۴
- ۱-۲-۲. شاپور ..... ۹۴
- ۲-۲-۲. فرهاد ..... ۱۰۰
- ۳-۲-۲. مهین بانو ..... ۱۰۶
- ۴-۲-۲. شکر ..... ۱۱۴
- ۵-۲-۲. بزرگ امید ..... ۱۱۸
- ۶-۲-۲. شخصیت مریم ..... ۱۲۱
- ۷-۲-۲. بهرام ..... ۱۲۵
- ۸-۲-۲. شیرویه ..... ۱۲۸
- ۹-۲-۲. باربد ..... ۱۳۳
- ۱۰-۲-۲. نکیسا ..... ۱۳۶
- ۱۱-۲-۲. هرمز ..... ۱۳۸
- ۱۲-۲-۲. انوشیروان ..... ۱۴۱
- ۱۳-۲-۲. قاصد مرگ دروغین شیرین به فرهاد: ..... ۱۴۳
- ۱۴-۲-۲. قاتل خسرو : ..... ۱۴۵

۱۴۶	حضور حیوانات در داستان خسرو و شیرین.....
۱۴۶	شب‌دیز.....
۱۴۹	گلگون.....
۱۵۰	۳-۲. بررسی شخصیت پردازی نظامی در خسرو و شیرین.....
۱۵۰	۱-۳-۲. قهرمان داستان :.....
۱۵۰	۲-۳-۲. واسطه و حامی :.....
۱۵۱	۲-۳-۳. رقیب :.....
۱۵۲	۴-۲. تضاد شخصیت ها در منظومه خسرو و شیرین.....
۱۵۴	۴-۲. بررسی روش های شخصیت پردازی نظامی در خسرو و شیرین :.....
۱۶۰	فصل سوم: منظومه اسکندرنامه و شخصیت پردازی نظامی در آن.....
۱۶۰	۱-۳. شرف نامه.....
۱۶۰	۱-۱-۳. اسکندر، قهرمان داستان.....
۱۷۲	توصیفات ظاهری اسکندر به طریق مستقیم.....
۱۷۲	توصیفات درونی اسکندر به طریق مستقیم.....
۱۸۲	توصیفات درونی اسکندر به طریق غیرمستقیم.....
۱۹۵	۳-۱-۲. ضد قهرمانان در شرف نامه (حریفان و رقیبان).....
۱۹۵	۳-۱-۲-۱. زنگیان.....
۲۰۱	۳-۱-۲-۲. دارا.....
۲۰۸	۳-۱-۲-۳. کید هندی.....
۲۱۰	۳-۱-۲-۴. فور ، پادشاه هندوستان.....
۲۱۱	۳-۱-۲-۵. خاقان چین.....
۲۱۵	۳-۱-۲-۶. روس ها.....
۲۲۱	۳-۱-۳. زنان در شرف نامه.....
۲۲۱	۳-۱-۳-۱. روشنگر:.....
۲۲۴	۳-۱-۳-۲. دختر کید هندی :.....
۲۲۶	۳-۱-۳-۳. نوشابه.....
۲۳۲	۳-۱-۳-۴. کنیزک چینی :.....

۲۳۸	..... ۴-۱-۳. وزیر و منجم در شرف نامه
۲۳۸	..... ۱-۴-۱-۳. ارسطو :
۲۴۴	..... ۲-۴-۱-۳. بلیناس
۲۴۸	..... ۵-۱-۳. سایر شخصیت ها در شرف نامه
۲۴۸	..... ۱-۵-۱-۳. فیلقوس (پدر اسکندر)
۲۴۹	..... ۲-۵-۱-۳. طوطیانوش (از سپاهیان اسکندر)
۲۵۰	..... ۳-۵-۱-۳. دوالی (حاکم ارمنستان)
۲۵۲	..... ۴-۵-۱-۳. شخصیت خضر :
۲۵۵	..... ۲-۳. اقبال نامه
۲۵۵	..... ۱-۲-۳. اسکندر در اقبال نامه :
۲۷۱	..... ۳-۳. بررسی شخصیت پردازی نظامی در شرف نامه :
۲۷۷	..... ۴-۳. روش های شخصیت پردازی نظامی در اسکندرنامه :
۲۸۰	..... فصل چهارم : نتیجه گیری
۲۸۲	..... نمودارها
۲۸۵	..... کتابنامه

## فصل اول : کلیات

### ۱. شخصیت و شخصیت پردازی :

« شخصیت ، یکی از عناصر داستان است و با توجه به اعمال و رفتار و گفتار خود در داستان ، نویسنده را در پیشبرد حوادث داستان یاری می دهد . به سبب اهمیت حضور شخصیت در آثار داستانی ، پرداخت آن و ارائه تصویری زنده و خلاقانه از حضور شخصیت در داستان ، بسیاری از صاحب نظران از دیرباز به ارائه تعریف های متعدد از شخصیت و شخصیت پردازی پرداخته اند . یکی از تعاریفی که در این زمینه مطرح شده است ، از سوی ابراهیم یونسی در کتاب هنر داستان نویسی است . او ، شخصیت را مجموعه ای از عادات و ویژگی ها و تمایلات فردی می داند که از تلفیق عوامل ارثی و طبیعی اکتسابی حاصل شده است و بر روی عملکرد و گفتار و افکار هر یک از افراد تأثیر می گذارد و آنها را از یکدیگر متمایز می کند . ( یونسی ، ۱۳۵۱ : ۲۶۵ نقل به اختصار )

این تعریف ، در حقیقت تعریفی واقع گرایانه از شخصیت است که ویژگی های واقعی افراد را در جامعه بیان می نماید و تعریفی ویژه و صرفاً برای اشخاص داستانی محسوب نمی شود .

میرصادقی در تعریف شخصیت و شخصیت پردازی عنوان می کند که : « اشخاص شناخته شده ای را که در داستان ، نمایش و فیلم ظاهر می شوند ، شخصیت می نامند . شخصیت در اثر روایتی یا نمایشی ، فردی است که کیفیت روانی و اخلاقی او ، در عملش و آنچه می گوید و انجام می دهد ، وجود داشته باشد . خلق چنین شخصیت هایی را که برای خواننده در حوزه داستان تقریباً مانند افراد واقعی جلوه می کند ، شخصیت پردازی می گویند .» ( میرصادقی ، ۱۳۶۷ : ۱۸۴ )

در تعریف میرصادقی از شخصیت و شخصیت پردازی ، عنوان کردن داستان ، نمایش و فیلم ، این تعریف را از شخصیت در حالت کلی متمایز می نماید و از این لحاظ تعریفی دقیق و کامل محسوب می شود .

آنچه از مجموع این تعاریف می توان دریافت ، این است که نویسندگان و شاعران در پرداخت شخصیت های اثر داستانی خود ، از آنچه در اجتماع خود می بینند ، الهام گرفته و به این ترتیب با دقت در خصوصیات شخصیت ها در جامعه ، ویژگی های ظاهری و باطنی شخصیت های داستانی را خلق می کنند .

## ۱-۲. پیشینه شخصیت و شخصیت پردازی در غرب :

ریشه واژه ( Character ) به معنای شخصیت ، از کلمه " Kharassein " به معنی حکاکی کردن و عمیقاً خراش دادن ، گرفته شده است و در یونان باستان ، این واژه در مورد طرح هایی کاربرد داشت که شامل مجموعه ای از افراد در کنار یکدیگر بود . این نوع طرح ها که بعدها به شکل نوشته های منثور درآمد ، به وسیله یکی از شاگردان ارسطو ، به نام تئوفراستوس پایه گذاری شد . ( براهنی ، ۱۳۶۸ : ۲۵۰-۲۴۹ نقل به اختصار )

پرداختن به مقوله ی شخصیت در داستان ، نمایش و سایر آثار ادبی و هنری از دیرباز در میان صاحب نظران مطرح بوده است و پیش از تئوفراستوس ، ارسطو در کتاب « فن شعر » به بررسی و تحلیل شخصیت در تراژدی ، پرداخته بود و در حقیقت ارسطو نخستین بررسی را در تحلیل شخصیت داستانی ارائه داده است . وی شخصیت ها را از یک دیدگاه ، به خوب و بد تقسیم کرده و عملکرد و رفتار آنها را متأثر از خوب یا بد بودنشان می داند . او همچنین چهار خصوصیت شخصیت داستانی را این چنین برشمرده است :

۱. سیرت ها باید پسندیده باشد و تمام حرکات و رفتار و عملکرد شخصیت و سنجیده باشد .

۲. مناسب شخصیت ها با عملی که در داستان انجام می دهند ، باید رعایت شود .

۳. شخصیت ها باید عملکردی همچون آنچه که از افراد جامعه انتظار می رود ، داشته باشند .

۴. شخصیت ها باید ثبات در سیرت داشته باشند . ( ارسطو ، ۱۳۵۷ : ۱۳۹-۱۳۸ نقل به اختصار )

با توجه به دیدگاه ارسطو درباره ویژگی های شخصیت ها در داستان و نمایش و تقسیم بندی آنها به شخصیت های مطلقاً سفید و یا سیاه ، می توان گفت ، تصویری که ارسطو از شخصیت ارائه می دهد ، تصویری مطلق از شخصیتی ایده آل است .

نظریات ارسطو و شاگردش ، تئوفراستوس در باب شخصیت های داستانی تا مدت ها الگوی کار هنرمندان و نویسندگان در شخصیت پردازی بود ، تا این که در قرون میانه ، نویسندگان به شخصیت های داستان خود به مثابه

دنیای مادی و عناصر تشکیل دهنده آن نگریستند و معتقد بودند که شخصیت مخلوق آنها در داستان ، تحت تاثیر چهار مزاج انسانی است ، که عبارت اند از : سودایی ، خون ، صفراوی و بلغمی و برای هر یک از این چهار مزاج ، در طب قدیم ویژگی هایی در نظر گرفته شده بود که با توجه به آنها ، اشخاص داستانی خلق می شدند . ( سیگر ، ۱۳۸۸ : ۱۰۸-۱۰۷ نقل به اختصار )

اوج توجه به شخصیت پردازی در قرن هفدهم صورت گرفت ، به طوری که « در سال ۱۶۰۵ م فرانسیس بیکن در رساله ترویج دانش ، نظریه عالم صغیر و کبیر را مطرح کرد . او انسان را عالم صغیر می دانست و جهان را عالم کبیر . نظریه عالم صغیر در توسعه نظریه شخصیت داستانی بسیار مؤثر بود ، زیرا معتقدان به این نظریه ، اعتقاد داشتند که با مطالعه و توصیف عالم صغیر (انسان ) می توانند عالم کبیر را بشناسند .» (اوت ، ۱۳۷۱ : ۱۲۹ )

در همان قرن هفدهم و در ادامه مطرح شدن نظریه ی بیکن ، صاحب نظران به معرفی نوع ادبی جدیدی پرداختند که آن را « چهره سازی » می نامیدند . در محافل ادبی نویسندگان این عصر ، تحلیل و بررسی شخصیت انسان ها بر اساس مطالعه ی چهره و ظاهرشان مطرح شد و هر نویسنده ویژگی های مختلف ظاهری و جسمی افراد را همراه با جزئیات آن به نگارش در می آورد و در جلسات و محافل ادبی می خواند . ( همان : ۱۳۰-۱۲۹ )

از قرن هفدهم که مکتب های ادبی ، یکی پس از دیگری به وجود آمدند ، نویسندگان تحت تأثیر این مکتب ها و با توجه به اصول و قواعد آنها به خلق شخصیت در آثار خود پرداختند .

در مکتب کلاسیک در قرن هفدهم ، شخصیت ها نماینده یک ویژگی مثبت و اخلاقی تلقی شده و به فردیت آنها چندان اهمیتی داده نمی شود . نویسندگان کلاسیک بر ذکر خصوصیات متعالی انسانی و خردگرایی در شخصیت پردازی خود تأکید دارند و وجه تمایز انسان و حیوان را در همین صفات و فضیلت های انسانی می دانند . شاعران و نویسندگانی چون مولیر ، راسین و بوالو در این مکتب آثاری از خود بر جای گذاشته اند .

در آثار رمانتیک که مربوط به اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم در اروپا است ، شخصیت ها ، دارای فردیت هستند و گاهی اوقات این توجه به فردیت در نظر مخاطب آثار رمانتیک به نوعی خودستایی و خودشیفتگی شخصیت تعبیر می شود . توجه به عواطف و احساسات و تخیلات در پرداخت شخصیت های رمانتیک نقش مهمی ایفا می کند . هنرمند رمانتیک ، علاوه بر تصویر کردن خوبی ها ، به نشان دادن بدی ها و صفات پست انسانی نیز معتقد است . نکته دیگر در بازی خلق شخصیت های رمانتیک ، توجه نویسندگان این مکتب به قرون وسطی است . همان گونه که

سید حسینی خاطر نشان می کند : « قرون وسطی با اشعار غنایی خود ، با ترانه های عاشقانه اش ، با شوالیه ها و افسانه ها و زندان ها ی زیرزمینی ، با کشیش های گناهکار ، با مجالس عیش و قصرهای مرموز ، نظر هنرمندان رمانتیک را جلب می کند . » ( سید حسینی ، ۱۳۸۷ ج ۱ : ۱۸۵ )

از شاعران و نویسندگان مشهور این مکتب ، می توان به ویکتور هوگو ، لرد بایرن و گوته اشاره کرد . بعد از مکتب رمانتیسم ، در قرن نوزدهم رئالیست ها در عرصه ی ادبیات و هنر سربرآوردند . با توجه به سخنان پاینده در زمینه داستان های رئالیستی می توان گفت که شخصیت ها در این داستان ها به گونه ای خلق می شوند که به سهولت در تخیل خواننده قابل تصور باشند و نویسنده ای که از این سبک پیروی می کند ، می کوشد تا شخصیت هایی واقعی و مطابق با آنچه در اجتماع وجود دارد ، خلق کند ؛ به گونه ای که نحوه تعامل شخصیت ها با یکدیگر در داستان های رئالیستی ، خواننده اثر را به یاد انسان های واقعی در موقعیت های مشابه می اندازد . ( پاینده ، ۱۳۸۹ ، ج ۱ : ۴۵-۵۳ نقل به اختصار )

از نویسندگان مشهور این مکتب می توان به بالزاک ، گوستاوفلوبر و چارلز دیکنز اشاره کرد . از اواسط قرن نوزدهم ، با گسترش علوم طبیعی و پزشکی و توجه به نقش وراثت در شکل گیری شخصیت انسان ها ، مکتب ناتورالیسم ، بسیار مورد توجه قرار گرفت ، نویسندگان ناتورالیستی همچون « امیل زولا » معتقد بودند که در خلق شخصیت های این گونه داستان ها ، نویسنده باید به صفات پست و جنبه های منفی وجود آدمی بپردازد . وی تأثیر وراثت و محیط را در پرداخت شخصیت ها دو عامل اساسی می دانست و معتقد بود که شخصیت های داستان های ناتورالیستی ، اسیر جبر بوده و در تعیین حوادث نقشی ندارند ، بلکه این حوادث هستند که شخصیت را تحت تأثیر قرار می دهند .

در اواخر قرن نوزدهم ، با ظهور مکتب سمبولیسم در ادبیات ، نویسندگان و شاعران پیرو این مکتب ، با کمک گرفتن از عنصر احساس و تخیل ، به بیان غیرصریح و ویژگی شخصیت ها در آثار خود می پردازند . شخصیت های سمبولیک به گونه ای خلق می شوند که مخاطب به طور عادی قادر به درک صریح رفتار و گفتار و ویژگی های آنها نباشد . شاعران و نویسندگان مشهور این مکتب عبارت اند از : شارل بودلر ، آرتور رمبو واستفان مالارمه .

در اوایل قرن بیستم ، شخصیت های آثار سوررئالیستی ، غرق در رویا و اوهام بوده ، نه گذشته ای دارند و نه آینده ای پیش روی آنها است و ارتباط ملموسی با جامعه ندارند . پرجاذبه بودن شخصیت های داستان های

سوررئالیستی به فضای تخیلی و فلسفی این داستان ها مرتبط است ، از نویسندگان مکتب سوررئالیسم می توان به آندره و پل الوار اشاره کرد .

### ۱-۳. پیشینه شخصیت پردازی در داستان های ایرانی :

نقل قصه و داستان به صورت شفاهی پیش از ظهور اسلام در ایران رواج داشته و نقالان برای مخاطبان خود که اغلب سواد خواندن و نوشتن نداشتند ، شعر و داستان و حکایات کهن می خواندند . در دوره اسلامی این روایات شفاهی به صورت مکتوب در آمد و داستان پردازی ادبی در ایران بعد از اسلام در حیطه ی کار شاعران بود و تا قرون هشت و نه هجری داستان های قدیمی به صورت منظوم ، در حیطه های مختلف ادبی از جمله حماسی ، غنایی و عرفانی مرسوم بود .

بنابر این شخصیت های آثار منظوم فارسی در این قرون ، شخصیت هایی هستند که یا تاریخی اند و یا از اسطوره ها و افسانه ها وارد روایات منظوم شده اند و با کمک صور خیال و قوه داستان پردازی شاعران فارسی زبان ، زنده و پر تحرک تصویر شده اند . در قرن چهارم، فردوسی ( شاهنامه ) ، در قرن پنجم شاعرانی چون عنصری ( وامق و عذرا ) ، عیوقی ( ورقه و گلشاه ) ، فخرالدین اسعد گرگانی ( ویس و رامین ) ، در قرن ششم ، نظامی ( پنج گنج ) ، در قرن هفتم ، عطار نیشابوری ( منطق الطیر ) ، جلوه های بی بدیل داستان های منظوم فارسی هستند و با توجه به نوع ادبی حاکم بر داستان ها ، شخصیت پردازی آنها مورد توجه خالقان این آثار قرار گرفته است . به عنوان مثال منطق الطیر اثری است سمبولیک و طبیعتاً حضور شخصیت های رمزی چون سیمرغ و پرندگان که هر یک رمزی از انواع صفات انسانی اند در بخش اول این کتاب و حضور شخصیت های رمزی چون شیخ صنعان و دختر ترسا در بخش دوم و شخصیت ها در حکایات کوتاه در بخش پایانی این اثر ، نمونه ای از شخصیت پردازی در حوزه ادبیات عرفانی فارسی است . در آثار منظوم غنایی همچون ویس و رامین ، لیلی و مجنون و . . . شخصیت ها شامل عاشق و معشوق و رقیب عشقی و واسطه ای برای ایجاد این رابطه است و شخصیت های این منظومه ها اغلب رنج و حرمان و فراق را تجربه می کنند و توصیفات ظاهری و ذکر زیبایی های بی مثال آنها ، بسیار مورد توجه شاعران این منظومه ها است . در کنار



این داستان های منظوم ، آثار حماسی نیز قابل توجه اند ، از جمله شاهنامه ، که بزرگ ترین افتخار ملی و حماسی ایرانیان است . در کنار این اثر بزرگ ، می توان آثار حماسی منثور را نیز ذکر کرد ، همچون سمک عیار ، داراب نامه طرسوسی و اسکندرنامه های منثور که اغلب جنبه پهلوانی و حماسی و اساطیری دارند . در میان آثار منثور ادبیات کلاسیک فارسی می توان به داستان های آموزنده و اخلاقی همچون قابوسنامه ی عنصر المعالی و چهار مقاله عروضی اشاره کرد ، که ضمن بیان حکایاتی از شخصیت ها در تاریخ ، به بیان حکمت و اندرز نیز می پردازند .

داستان پردازی سنتی ایران و توجه به نوع شخصیت ها در آنها قرن ها مورد توجه و تقلید شاعرانی چون اوحدی مراغه ای ، خواجوی کرمانی ، جامی و ... بود .

در کنار داستان های منظوم و منثوری که در بالا نام برده شد ، می توان به حکایت های منظوم و منثور به خصوص در قرن هفت اشاره کرد ، حکایاتی شیوا و رسا در گلستان ( نثر ) و بوستان ( نظم ) سعدی و حکایات مثنوی مولانا ، که حضور شخصیت ها در این حکایات مانند آنچه در داستان های منظوم و منثور فارسی متداول است ، شامل شخصیت های مطلقاً خوب و یا مطلقاً بد است و حضور شخصیت ها صرفاً جهت ابلاغ پیام اخلاقی و دقیقه ای لطیف به مخاطب می باشد و به جزئیات و ویژگی های درونی شخصیت ها چندان توجهی نمی شود .

همان گونه که عابدینی در کتاب صدسال داستان نویسی اذعان دارد ، داستان پردازی کلاسیک فارسی تا قرن ۱۲ پابرجا بود ، تا این که در سال های نزدیک به انقلاب مشروطه ، عوامل فرهنگی چون تأسیس دارالفنون ، اعزام دانشجویان به اروپا برای تحصیل ، پیدایش صنعت چاپ و افزایش شمار افراد تحصیل کرده و از فرنگ برگشته و ترجمه رمان ها و داستان های خارجی به خصوص از ادبیات فرانسه و روسیه ، باعث رونق داستان نویسی به شیوه غرب شد ، در این دوران ، نویسندگان با مخاطبانی رو به رو هستند که می خواهند درباره واقعیت های عصری که در آن زندگی می کنند ، اطلاع کسب کنند ، بنابراین کلی گویی در داستان پردازی عصر مشروطه و بعد از آن جایگاهی ندارد و به شخصیت های داستان به عنوان افرادی دارای هویت مشخص و مستقل نگریسته می شود .

در عصر مشروطه ، رمان های تاریخی بر محور بزرگ نمایی اغراق آمیز شخصیت های تاریخی نوشته می شد و این گونه رمان ، انسان را به صورت شخصیتی با برتری و کمال ، فقط در گذشته جستجو می کرد ، رمان هایی مانند « دام گستران » و « داستان مانی نقاش » از صنعتی زاده ی کرمانی که وقایع آنها مربوط به زمان انوشیروان و شاپور است . بعد از رمان تاریخی ، رمان اجتماعی مورد توجه نویسندگان قرار گرفت و شخصیت های این رمان ها را

کارمندان و فواحش تشکیل می دادند و نویسندگان در این رمان ها ، به مسائل طبقه ی متوسط و زنان و واقعیت های اجتماعی جامعه می پرداختند و شخصیت های آن ها اغلب زنانی از طبقه متوسط و بالای جامعه بودند که زندگیشان در روسپی خانه ها توصیف می شد . اولین رمان اجتماعی را مشفق کاظمی تحت عنوان « تهران مخوف » نوشت که متأثر از رمان کنت مونت کریستوی الکساندر دوما ، قهرمان داستانش را در گیر حوادث مختلفی می نماید که از بینش قهرمان گرایی فردی کاظمی خبر می دهد و شخصیت های رمان او به نوعی مقهور سرنوشت اند . در عصر مشروطه و پس از آن ، با گسترش ترجمه از زبان های اروپایی ، نویسندگان به نوشتن داستان کوتاه روی آوردند و به زودی با استقبال مخاطبان روبرو شدند ، از پیشگامان داستان کوتاه در ایران ، می توانیم به جمال زاده ، هدایت و بزرگ علوی اشاره کنیم که خیلی سریع ، جایگاه خود را به عنوان نویسندگان داستان کوتاه در ایران پیدا کردند و انتقاد از نارسایی های فردی و اجتماعی در دنیای واقعی را مد نظر قرار دادند . به خصوص جمال زاده ، با انتشار اولین مجموعه داستان خود به نام « یکی بود ، یکی نبود » سرآغاز ادبیات واقع گرایی در ایران شد . وی در هر داستان با نثری شیرین به تصویر یک تیپ اجتماعی توجه نمود ، هر چند به تجسم دنیای درونی شخصیت ها پرداخت . بعد از جمال زاده ، صادق هدایت مجموعه داستان های کوتاه خود را به نام « زنده به گور » ، « سه قطره خون » و « بوف کور » به نگارش در آورد . او در پرداخت شخصیت های داستانی خود ، کوشید تا احساسات پیچیده آنها را مطرح سازد و به عمق روح شخصیت ها نفوذ کند ، هدایت تناقضات درونی اجتماع را به صورتی هنرمندانه در قالب داستان کوتاه مطرح نمود . بوف کور ، را می توان اولین رمان واقعی فارسی دانست ، که هدایت در آن به روان شناسی قهرمان داستان می پردازد و درگیری درونی روشنفکری سرخورده با جهان نا به سامان را توصیف می کند . در کنار هدایت ، نویسندگان دیگری نیز در زمینه داستان کوتاه فعالیت داشتند که از هدایت در زمینه ی شخصیت پردازی متأثر بودند ، از جمله بزرگ علوی با مجموعه داستان هایی چون « چمدان » و « چشم هایش » . شخصیت ها در داستان های علوی نیز سرگردان و ناامید و سرخورده و البته برخلاف آثار هدایت ، در پی ماجرای عشقی دچار شکست و ناکامی می شوند . ( عابدینی ، ۱۳۶۹ : ۱۴۶-۱۹ نقل به اختصار )

به طور کلی بررسی داستان های معاصر فارسی و شخصیت پردازی در آنها بسیار زمان بر و مفصل بوده و در حیطه این تحقیق نمی گنجد . با توجه به پیشینه شخصیت پردازی از آغاز تا دوران سر برآوردن مکاتب ادبی مختلف ، در مورد شخصیت پردازی در داستان های معاصر فارسی می توان گفت که نویسندگان در خلق آثار ادبی ، به پیروی از

مکتب های ادبی ، نوشتن آثار خود و شخصیت پردازی در آنها اهتمام می ورزند ، بنابراین در داستان پردازی معاصر فارسی با انواع مختلفی از شخصیت پردازی ، روبه رو هستیم و نویسندگان بزرگی همچون به آذین ، صادق چوبک ، آل احمد و غلامحسین ساعدی و . . . در پرداخت شخصیت های داستانی خود به مکاتب متعددی استناد می کنند و به عنوان مثال در یک داستان با رویکردی واقع گرایانه ، فضا و شخصیت هایی ناتورالیستی خلق می کنند .

آنچه درباره شخصیت های مدرن در دوران معاصر باید مورد توجه قرار گیرد ، این نکته است که این نوع شخصیت ها از حالت مطلق سفید و یا سیاه خارج شده اند و مانند شخصیت داستان های کلاسیک در قالب های مشخص و از پیش تعیین شده قرار نمی گیرند ، بلکه نویسندگان معاصر ، مخاطب داستان را پیوسته به تفکر درباره ویژگی ها و نحوه رفتار شخصیت های معاصر فرا می خوانند .

## ۱-۴. انواع شخصیت :

همان گونه که می دانیم شخصیت ها در داستان ، به یک شکل مشخص ظاهر نمی شوند ، بلکه دارای ابعاد و ویژگی های متفاوتی هستند و با توجه به این ویژگی ها در داستان به ایفای نقش می پردازند . یکی از تقسیم بندی هایی که درباره انواع شخصیت با آن برخورد می کنیم ، از سوی فورستر مطرح شده است ، به این ترتیب که وی ، شخصیت ها را به دو نوع تقسیم می کند :

۱. شخصیت های ساده یا مسطح<sup>۱</sup>
۲. شخصیت های جامع یا مدور<sup>۲</sup>

اشخاص ساده داستانی را می توان به نوعی تیپ یا کاریکاتور تعبیر کرد ، که بر پایه یک فکر یگانه خلق می شوند و هنگامی که بیش از یک عنصر در کار شخصیت پردازی دخیل شود ، شخصیت ساده به سوی جامع بودن حرکت می کند . شخصیت های ساده ، به آسانی قابل تشخیص بوده و خواننده داستان به راحتی قادر به شناخت آن ها خواهد بود و از ویژگی های مهم این شخصیت ها ماندگاریشان در ذهن خواننده است . ( فورستر ، ۱۳۵۲ : ۸۸ نقل به اختصار )

ارنست همینگوی درباره شخصیت ساده و جامع می گوید : « اگر شخصیتی را توصیف کنید ، این شخصیت ، ساده و سطحی است ، درست مانند یک عکس . به اعتقاد من عکس گرفتن ، شکست است . ولی اگر او را با توجه به دانسته هایتان خلق کنید ، ناگزیر باید فراتر از یک عکس ساده بروید و همه ابعاد او را برای خواننده ترسیم کنید ، این شخصیت ، جامع است . » ( اخوت ، ۱۳۷۱ : ۱۲۳ )

با توجه به این تعریف ، می توان گفت که شخصیت ساده یک بعدی است و برای درک و شناخت آن نیازی به تأمل نیست ، برخلاف شخصیت جامع که چند بعدی است و شناخت آن نیازمند دقت و تأمل است .

---

<sup>۱</sup> . Flat

<sup>۲</sup> . Round

نوع دیگر تقسیم بندی شخصیت ، عبارت است از : ۱. شخصیت ایستا<sup>۱</sup>      ۲. شخصیت پویا<sup>۲</sup>

#### ۱-۴-۱. شخصیت ایستا :

بر طبق تعریف میرصادقی ، شخصیت ایستا ، شخصیتی است که در طول اثر تغییر نمی کند و اگر دچار تغییر شود ، این امر بسیار اندک و جزئی است و شخصیت در پایان داستان ، همان است که در آغاز داستان حضور داشته است . ( میرصادقی ، ۱۳۶۷ : ۱۹۴ نقل به اختصار )

#### ۱-۴-۲. شخصیت پویا :

میرصادقی شخصیت پویا را این گونه تعریف می کند ؛ شخصیت پویا ، شخصیتی است که در طول داستان ، مدام در حال تغییر و تحول است و این تغییر ممکن است در جنبه ای از شخصیت و عقاید و ویژگی های او رخ دهد . تغییر در شخصیت پویا می تواند به صورت محدود و گسترده و یا سطحی و عمقی باشد . این پویایی ، گاه می تواند در پیشبرد هدف متعالی شخصیت عمل کند و یا او را دچار تنزل کند . ( میرصادقی ، ۱۳۶۷ : ۱۹۵ نقل به اختصار )

لئونارد بیشاب نیز معتقد است که اگر شخصیت تا پایان داستان ، دچار تغییر نشود ، نشان می دهد که نویسنده در خلق شخصیت های زنده ، موفق عمل نکرده است . ( بیشاب ، ۱۳۷۸ : ۲۲۴ نقل به اختصار )

نکته ای که در این بخش قابل ملاحظه است ، مربوط به اهمیت تغییر و شرایط آن در شخصیت های داستان است و از آنجا که داستان حول محور شخصیت های اصلی می چرخد و حضور این شخصیت ها در داستان پررنگ تر از سایر شخصیت ها است ، نویسنده با در اختیار قرار دادن زمان کافی به شخصیت اصلی و ایجاد انگیزه های معقول برای تغییر و آماده سازی فضای داستان و ایجاد سیری منطقی در حوادث داستان ، شخصیت را برای تغییرات معقول و منطقی در خود ، سایر شخصیت ها و همچنین تغییر در روند حوادث داستان آماده می سازد .

---

<sup>۱</sup> . Static

<sup>۲</sup> . Dynamic

شخصیت داستانی از نظر خصوصیات فردی و اجتماعی به انواعی تقسیم می گردد و نویسنده با توجه به این تقسیم بندی ، به خلق شخصیت های داستانی می پردازد و به این ترتیب ، مخاطب داستان با در نظر گرفتن انواع شخصیت ها ، به ویژگی های خاص هر شخصیت پی می برد . « ویلیام ارمشر<sup>۱</sup> » تقسیم بندی شخصیت ها را این گونه نام برده و به توضیح آنها می پردازد :

۱ . شخصیت قالبی<sup>۲</sup>

۲ . شخصیت قراردادی<sup>۳</sup>

۳ . شخصیت تمثیلی<sup>۴</sup>

۴ . شخصیت نمادین<sup>۵</sup>

۵ . شخصیت همه جانبه<sup>۶</sup> .

**۱ . شخصیت قالبی :** شخصیتی است که نماینده گروه ، طبقه و یا حرفه ای خاص است و از آنجا که این نوع

شخصیت ، در آثار ادبی و هنری همچون داستان ، نمایش و فیلم ، تکرار می شود ، براساس الگویی مشخص ، به ایفای نقش می پردازد و حضور او در داستان و نمایش برای مخاطب آشنا بوده و صحبت های او قابل پیش بینی است ، بنابراین خواننده داستان و یا بیننده فیلم های قدیمی ، از نقشی که یک مرد متشخص ، مادری یهودی و یا یک پادشاه انگلیسی به کمک اعمال و حرکات و لحن خاص خود ایفا می کند ، آگاهی دارد . هنرمندان در خلق شخصیت های قالبی ، از واقعیت فراتر می روند ، در این حالت حضور شخصیت قالبی در اثر آنها ، همچون کاریکاتور عمل می کند ، زیرا نویسنده و فیلم ساز ، ویژگی های قابل شناسایی مردم را دریافت کرده و در عینیت بخشیدن به این ویژگی ها در قالب نقش شخصیت مورد نظر خود ، به اغراق متوسل می شوند . البته ، همه شخصیت های قالبی ، کاریکاتور گونه عمل نمی کنند ، بلکه نویسنده ، این نوع شخصیت ها را به صورت نماینده گروهی از مردم ، به مخاطب معرفی می کند و از نشان دادن فردیت شخصیت ها خودداری نموده و کار شخصیت پردازی در داستان برای نویسنده ، آسان تر

---

۱ . William F. Imscher

۲ . Stereotype

۳ . Stock

۴ . Allegorical

۵ . Symbolical

۶ . Full Dimensional